

## عنوان مقاله:

معرفت شناسی ژنتیک (تکوینی) در دیدگاه پیازه

## محل انتشار:

فصلنامه حکمت و فلسفه، دوره 2، شماره 5 (سال: 1385)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

## نویسنده:

خسرو باقری - دانشیار دانشگاه تهران

## خلاصه مقاله:

معرفت شناسی ژنتیک (تکوینی) پیازه، دست کم تحت تاثیر چهار منبع بوده است: فلسفه کانت، ساخت گرایی ریاضی بورباکی، زیست شناسی، و سبیرنتیک. تاثیر کانت را می توان در توسل پیازه به سوژه معرفتی و طرح واره های ذهنی پیشینی آن که داده های حسی را سازمان می دهند ملاحظه نمود. تاثیر ساخت گرایی ریاضی، به نحوی پیازه را به نادیده گرفتن سوژه فردی و تاکید بر سوژه معرفتی به منزله یک صورت بندی انتزاعی کشاند. تاثیر زیست شناسی را می توان در مفهوم سازگاری با محیط دشوار، مشتمل بر جذب و انطباق، ریشه یابی کرد. سرانجام، تاثیر سبیرنتیک را می توان در تاکید اکید پیازه بر خود تنظیم کنندگی ملاحظه نمود که منجر به سازمان دهی مجدد دانش بر حسب پسخوراند می شود. به طور کلی، پیازه، معرفت شناسی ژنتیک را به منزله یک معرفت شناسی علمی در نظر می گیرد که با سازو کارهای تحول دانش سر و کار دارد و روش آن، نه تحلیل فلسفی یا تامل، بلکه تحقیق پذیری تجربی است. هرچند پیازه به طور اکید از سازگاری به منزله کلیدی برای حل و فصل مسئله رابطه دانش - واقعیت استفاده می کند، در عین حال، به مفهوم مطابقت با واقعیت نیز توسل می جوید. اما تکیه صرف او به پسخوراندهای منفی مانع از آن می شود که او بتواند این مسئله را به نحو مناسبی حل و فصل کند. این در واقع، پاشنه آشیل معرفت شناسی پیازه است. این از آن رو است که پسخوراندها تنها حاکی از (عدم) کفایت ساختارهای دانشی فرد است، نه (عدم) مطابقت آن با واقعیت. این نشان دهنده نیاز معرفت شناسی ژنتیک به دیدگاه واقع گرایی و مفهوم کلیدی آن یعنی مطابقت با واقعیت است. مطابقت را نمی توان و نباید به کفایت فروکاست، هرچند که کفایت، از جمله قرائن مطابقت با واقعیت و البته تنها یکی از آنها است.

## کلمات کلیدی:

معرفت شناسی، ساخت گرایی، ژنتیک، دانش، مطابقت با واقعیت، سبیرنتیک، سوژه

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1788833>

